

جمال شورجه (فیلمساز)

یدالله صمدی (فیلمساز)



محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)



شهریار بحرانی (فیلساز)



پرویز شیخ طادی (فیلمساز)



داود میرباقری (فیلمساز)



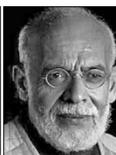
جهانگیر الماسی (بازیگر)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی فقیه (بازیگر)



پروانه معصومی (بازیگر)



علی نصیریان (بازیگر)



مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید آوینی (فیلمساز)

محمدحسین مهدویان را همه با مجموعه

«آخرین روزهای زمستان» شناخته بودند. مجموعه‌ای که سال ۹۱ با روایت زندگی شهید حسن باقری بخش شد. مهدویان جوان با ۲۴ سال سن، حالا با فیلم «ایستاده در غبار» به پدیدهٔ این روزهای سینمای ایران تبدیل شده است. فیلمی که باز هم یکی از اسطوره‌های تاریخ معاصر ایران یعنی سردار احمد متوسلیان، فرمانده جاویدالآثر سپاه محمد رسول‌الله(ص) را به تصویر کشیده است. این فیلم در سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر هم یکی از آثار پر اقبال نزد مردم بود و هم توانست سیمرغ بهترین فیلم را دریافت کند. به همین مناسبت با مهدویان گفت‌وگو کردیم. ***

‏* شما با اولین فیلمی که ساختید موفق به بردن جایزه بهترین فیلم جشنواره فجر شدید. کسب چنین جایزه‌ای، آن هم با اولین فیلم، غافلگیر کننده نبود؟

چرا؛ با توجه به روند انتخاب و چگونگی اعطای جوایز در جشنواره، غافلگیر شدیم. اما در کل از ابتدا انتظار داشتم که فیلم در بخش‌هایی از جشنواره فجر جوایزی را دریافت کند. یعنی حوادث جوری اتفاق افتاد که احساس می‌کردیم که جوایز خوبی را در اختتامیه جشنواره فجر خواهیم گرفت.

‏* اتفاقا به نظر من جایزه شما یکی از بهترین‌ترین جوایز جشنواره فیلم فجر امسال بود و واقعا هم این جایزه حق شما بود… بگذریم. به نظر من، کسانی که می‌خواهند درباره قهرمانان انقلاب و دفاع مقدس فیلم بسازند، کار دشواری پیش رو دارند. چون در انقلاب ما، به خصوص در دوران دفاع مقدس، قهرمانان بزرگی ظهور کردند. زندگی هر کدام از شهیدان را که بررسی می‌کنیم می‌بینیم که با یک قهرمان روبرو هستیم. از این نظر شاید ایران بعد از انقلاب اسلامی، تنها کشور و جامعه‌ای در طول تاریخ باشد که در یک مقطع زمانی بسیار کوتاه، صدها هزار قهرمان را ظاهر کرد. شما چطور این انتخاب دشوار را انجام دادید و از بین صدها هزار قهرمان، فیلم حاج احمد متوسلیان را ساختید؟

من در این‌باره در مصاحبه‌های قبلی به طور مفصل توضیح دادم. حالا خیلی مختصر تکرار می‌کنم که بعد از سریال «آخرین روزهای زمستان» سازمان اوج پیشنهاد داد که راجع به دو، سه نفر از فرماندهان جنگ، فیلم بسازم. بعد از پژوهش‌هایی که در پرباره آن‌ها انجام دادم، به نظرم رسید که زندگی و شخصیت حاج احمد متوسلیان، برای مناسبت‌تر است. یعنی وجوه شخصیتی او برای ساخت فیلم جذاب‌تر به نظرم رسید.

‏* در پژوهش‌های خود و در حین ساخت فیلم، چه نکته متفاوتی درباره متوسلیان کشف کردید؟

متوسلیان شخصیت متفاوتی نسبت به آنچه‌ما از فرماندهان جنگ می‌شناسیم داشت. متوسلیان، سردری با ویژگی‌های شخصیتی خاصی بود که معمولاً ما عادت نداریم در فرماندهان جنگ ببینیم. او شخصیت متفاوت و جذابی داشت. ضمن اینکه متوسلیان سرنوشت عجیبی پیدا کرد که خود این سرنوشت عجیب و مبهم نیز به لحاظ داستانی جذاب بود.

‏* البته به نظر می‌رسد که از این سرنوشت جذاب، در فیلم به سرعت عبور کردید. چون به جز اشاره‌ای کوتاه، خیلی وارد جزئیات نشدید!

موضوع فیلم ما، خود متوسلیان بود. من می‌خواستم به شخصیت حاج احمد بپردازم. به آن داستان‌لیسبی عجیب و غریب که سرنوشت حنی امروز بیش از گذشته مسؤل هستند. همچون همیشه، رهبر معظم انقلاب جلوتر از نخبگان و روشنفکران، چالش‌های پیش روی جامعه کنونی ایران را مطرح کردند. حضرت امام خامن‌ای روز ۲۵ شهریور در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران فرمودند: «نفوذ فرهنگی و سیاسی خطرناک‌تر از نفوذ اقتصادی و امنیتی است؛ دشمن بدنبال دگرگون کردن باورهای جامعه است» البته این نخستین بار نیست که رهبری نسبت به مسائل عرصه فرهنگ هشدار می‌دهند. ایشان در ۲۵م سال گذشته با طرح کلید واژه‌هایی چون تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و این‌بار «نفوذ فرهنگی» افکار عمومی را متوجه واقعیت‌هایی خظیر اما کمتر مشخص در عرصه فرهنگ نمودند. ضمن اینکه مسئله نفوذ، اغلب به حوزه‌های سیاسی و امنیتی محدود بوده است و کمتر درباره عرصه حساس و مهم فرهنگ بحث‌های عمیق و اساسی صورت گرفته است. با این حال، اگر در گذشته اقتصاد و سیاست و فرهنگ‌نظمی، زیربنای فرایندهای استعماری و امپریالیستی بود، در دوران اخیر، فرهنگ اصلی‌ترین ابزار توسعه لیبرال سرمایه‌داری در سطح جهانی شده است. شبکه‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها و سریال‌های ایلوودی، فضای مجازی و نرفنازهای اینترنتی، موسیقی، رمان و … جای اسلحه و جنگ افزار را گرفته‌اند و زمینه را برای اقتصاد و سیاسی کشورها فراهم می‌کنند.



گله‌هایی داشت. البته با تعامل به یک راه حلی خواهیم رسید. ضمن اینکه ما در تمام مراحل کار با خانواده متوسلیان در تعامل و تماس بودیم و هیچ کاری را بدون هماهنگی با آن‌ها انجام نمی‌دادیم و راجع به جزئیات با ایشان مشورت می‌کردیم. اینکه یکی از برادرهای حاج احمد صحبت‌هایی را در رسانه‌ها مطرح کردند به خاطر این بود که خیلی در جریان رابطه قبلی ما با خانواده متوسلیان نبودند. البته بعدا در جریان قرار گرفتند.

‏* برخی فیلم شما را یک اثر سفارشی و دولتی می‌دانند. نظر شما چیست؟

بالاخره فیلم ما سفارشی بوده و با پول دولتی هم ساخته شده، حالا این ایرادش چیست؟ در حال ما یک فیلم خوب ساختیم. یعنی فیلمی ساختیم که ماهیت فیلم‌های سفارشی را ندارد. بالاخره با بخشی از بودجه دولتی که قرار بوده با آن کارفرنگی شود، فیلمی ساختیم که وقتی کسی می‌بیند، نگران هرز رفتن پول بیت‌المال نمی‌شود. اتفاقا خوب است که بودجه دولتی صرف این گونه فیلم‌ها شود که بعدا سرکوفت نخوردند که چرا پول را هدر دادند.

‏* شما سبک جدیدی را در سینمای ایران وارد کرده‌اید. هر چند که این سبک را قبلا در سریال «آخرین روزهای زمستان» هم به کار برده بودید. این سبک تقلیدی است یا خودتان ابداعش کرده‌اید؟

نه، این کاری است که خودمان یعنی من و گروه‌هم به تدریج به آن رسیدیم. بیشتر هم تحت تاثیر فیلم‌های مستند دهه ۵۰ و ۶۰ و به خصوص فیلم‌های روایت فتح است. درواقع ما تلاش کردیم سینما میزانشناسی‌های رایج در فیلم‌های مستند را در یک اثر دراماتیک وارد کنیم و فیلم‌هایی شبیه به مستند بسازیم. جزئیاتش نیز به تدریج و در طول کارها و با آزمون و خطاهای مختلف شکل گرفته است. البته هنوز برای کامل شدن جای کار دارد تا به بختگی نهایی برسد.

‏* پاسخ شما به کسانی که معتقدند «ایستاده در غبار» یک مستند است و به اشتباه در بخش سودای سیمرغ جشنواره فجر راه یافت و باید در بخش مستند حضور می‌یافت، چیست؟

عده‌ای می‌گویند که این فیلم مستند است و داستانی نیست و خیلی از مستندسازها هم می‌گویند که این فیلم، مستند نیست و داستانی است. حتی موقعی که «آخرین روزهای زمستان» را ساختم هم همین حرف را زدم. من این‌ها را به یکدیگر واگذار می‌کنم تا با هم بحث کنند و ببینند که فیلم من مستند است یا داستانی! اما به هر حال «ایستاده در غبار» سینماست. خود من نه انصرار دارم که بگویم فیلم من مستند است و نه انصرار دارم که بگویم این فیلم، داستانی است. فیلم من همین است که دارید می‌بینید. بگذارید چانه بزنند تا ببینیم که فیلم من چیست!

‏* این موفقیت من – هم کیفیت خوب فیلم و هم جایزه بهترین فیلم جشنواره – توقعات را نسبت به شما بالا برده است. چه برنامه‌ای دارید بسرای اینکه رو به جلو حرکت کنید و فیلم‌های بعدی‌تان پیشرفت می‌کنند؟

الان دارم به این موضوع فکر می‌کنم. دارم فکر می‌کنم کار بعدی که شروع می‌کنم حتما کار با



گفت وگو با محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم «ایستاده در غبار»

مجدوب شخصیت و زندگی «حاج احمد» شدم

■ آرش فهیم



متوسلیان شخصیت متفاوتی نسبت به آنچه‌ما از فرماندهان جنگ می‌شناسیم داشت. متوسلیان، مردی با ویژگی‌های شخصیتی خاصی بود که معمولا ما عادت نداریم در فرماندهان جنگ ببینیم. او شخصیت متفاوت و جذابی داشت. ضمن اینکه متوسلیان سرنوشت عجیبی پیدا کرد که خود این سرنوشت عجیب و مبهم نیز به لحاظ داستانی جذاب بود.



ارزشی باشد، استانداردهای خوبی داشته باشد و آن تأثیری که می‌خواهم را روی جامعه و مردم بگذارد. تلاش خودم را خواهم کرد. باید ببینیم که خدا چقدر توفیق می‌دهد.

‏* موضوع فیلم بعدی خود را انتخاب کردید؟

نه، پنج شش طرح مختلف در دست دارم و در اینکه کدام یک از آن‌ها را انتخاب کنم، مردد هستم. باید ببینیم که کدام یکی از آن‌ها قسمت می‌شود.

‏* این طرح‌ها دفاع مقدسی هستند؟

دفاع مقدسی هم توی آن‌ها هست، اما طرح‌های غیر جنگی هم در بینشان هست. اما اصولا علاقه اصلی من تاریخ معاصر است و دوست دارم که در این حوزه فیلم بسازم.

راه‌های نفوذ با ابزارهای فرهنگی

وقتی هنر تبدیل به اسلحه می‌شود

مهدی امیدی



نقش را در تبلیغ اهداف حکومت آمریکا دارند. فیلم‌هایی که در قالبی جذاب و پیرزرق و برق به مثابه کلاس آموزش زندگی مصرفی عمل می‌کنند. یکی از شاخصه‌های اصلی ایدئولوژی سرمایه‌داری، مرام مصرف‌گرایی است. مصرف‌گرایی، رگ حیات سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) است. چون شاکله اصلی نظام سرمایه محور جهان را شرکت‌های چندملیتی و کمپانی‌های بزرگ اقتصادی و تجاری تشکیل می‌دهند. این مجموعه‌های سوداگر و پول‌پرست،

صفحه ۸
دوشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۴
۱۳ جمادی الاول ۱۴۲۷ – شماره ۲۱۲۸۷



توطئه‌ای به نام «GEM TV»

تلاش دشمن برای ایجاد رسانه موازی

مصطفی انصافی

می‌کنند و آن مخدوش کردن اعتقادات دینی و هنجارهای اسلامی در میان مردم جامعه ماست و برای این کار نیز حجم عمده‌ای از سریال‌های ترکی را در نظر گرفته‌اند؛ سریال‌هایی که تم اصلی همه آنها خیانت، تجاوزه، تعدی و بی‌بند و بساری در روابط خانوادگی و انسانی است.

شبکه جم تی وی علاوه بر پخش این سریال‌ها و فیلم‌هایی که نوک پیکانشان به سمت اعتقادات خانواده هاست از آبان سال جاری پروژه‌های دیگر را کلید زده است که از این مجموعه اقدامات چنین به نظر می‌رسد که مدیران این شبکه معاند و مبتدل قصد ایجاد صدا و سمیای موازی را دارند تا از این روزنه و از راه جذب بازیگران، کارگردانان و دست اندرکاران سینما و تلویزیون که در داخل کشور مشغول فعالیت هستند، بتوانند مخاطبان میلیونی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را جذب شبکه خود کنند.

هوشیاری اهالی سینما و تلویزیون باعث شد تا تلاش چندین ماهه مدیران شبکه جم‌تی‌وی برای جذب این قشر از جامعه ما به داخل شبکه خود با شکست مواجه شود و تنها چند خرده بازیگر جاه طلب که جایی در بدنه سینما و تلویزیون کشورمان نداشتند به این شبکه معاند دست دوستی دراز کردند و این توطئه با دریافت قشر هنرمند خنثی شد. با همه این اوصاف به نظر می‌رسد با موج تحریک‌ها و اغفال‌هایی که از سوی شبکه‌های وابسته به فرقه‌های ضاله‌ای همچون بهائیان و منافقین صورت می‌گیرد باید راهکارهای بنیادین اجرایی و عملیاتی برای مقابله با این رویکرد اندیشید. حضوری

این افراد در چنین شبکه‌های فاسدی حتی به تهیه‌کنندگان و کارگردانان آثار دیگری که آنها در آن حضور داشته‌اند نیز ضربه می‌زند. اما یک نکته قابل توجه است آن هم این‌که در جامعه بزرگ هنری کشور که هزاران سریال و فیلم و تله فیلم ساخته و تولید می‌شود چهره شدن افراد، امری طبیعی است. و کنترل این چهره‌ها کمی سخت است. از آنجا که بیشتر این تولیدات با هزینه بیت المال ساخته یا خریداری می‌شوند می‌توان در ضمن تفاهم‌نامه‌هایی افراد را نسبت به حضور در جامعه هنری متعهد کرد تا با اغفال یک بازیگر درجه سه فیلم یا سریالی به همه عواملش به دردرس نیفتند و این طور به نظام و جامعه دهن کچی نشود. به نظر می‌رسد شبکه‌های ماهواره‌ای سعی می‌کنند در حضور بازیگران نام آشنای وطنی، خود را به مردم ایران نزدیک کنند و این به آن معنا است که آنها به این امر مترقند که هیچ جایگاه مردمی در ایران ندارند. هرچند برخی این شبکه‌ها را دنبال می‌کنند اما نگاه دوستانه و آیرانی به این شبکه‌ها وجود ندارد. لذا با دعوت از بازیگران ایرانی سعی می‌کنند تا این خلأ را پر نمایند و رنگ و بوی وطنی به کارهای خود بدهند و به نوعی پروژه نفوذ درعرصه فرهنگ و اندیشه ایرانیان را تکمیل کنند؛ یعنی حرف‌ها و اندیشه‌های نامانوس منافقان را از زبان چهره‌های رسانه‌ای شده به گوش مردم برسانند. کاری که باید به طور جدی جلوی آن گرفته شود و با توجه به مسئله نفوذ بیش از پیش آن را مورد توجه قرار داد.

صدا و سیما به عنوان رسانه ملی به رغم همه چالش‌های پیش رویش همچون کسری بودجه شدیدی که با آن مواجه است ادعاهایی چون تامین منابع مالی این شبکه از طریق تبلیغات سعی کردند تا پایانی بر این شایعات بدهند اما با نگاهی اجمالی به حجم انبوه فعالیت‌های این شبکه و تبلیغات ضعیف و کم شمار آن می‌توان به کذب گویی مسئولان آن پی برده و به این نکته اذعان داشت که این دروغ بزرگ برای پنهان کردن حمایت برخی دولت‌ها و گروه‌های منفور جشنواره‌ها و جوایز هنری، سعی می‌کنند افرادی را در میان ملت‌ها مطرح و برجسته کنند. این افراد لزوماً هنرمندان خوبی نیستند اما به خاطر ضعف شخصیتی و شیفتگی به مظاهر فرهنگ غربی، در نقش سفیر و سخنگوی دولت‌های غربی در یک کشور فعالیت می‌کنند. به این ترتیب که شهروروشفرگان، نویسنده‌ها، خواننده‌ها، بازیگران و فیلمسازان و … توسط غربی‌ها و به بهانه‌های مختلف به محافل جشنواره‌ها دعوت می‌شوند و تحت حمایت قرار می‌گیرند. این هنرمندان هم رفته رفته به عامل نقش سفیر و سخنگوی دولت‌های غربی در یک کشور فعالیت می‌کنند. به این ترتیب که شهروروشفرگان، نویسنده‌ها، خواننده‌ها، بازیگران و فیلمسازان و … توسط غربی‌ها و تحت حمایت قرار می‌گیرند. این هنرمندان هم رفته رفته به عامل می‌یابند و نقش سفیر تبدیل می‌شوند. طی ۲۵ سال گذشته، سفارتخانه آمریکا در ایران تعطیل بوده و ایالات متحده هیچ سفیری در ایران نداشته است، اما برخی از هنرمندان و محافل فرهنگی در کشور ما به مثابه سفیر آمریکا عمل کرده‌اند. نفی فرهنگ و ارزش‌های دینی و انقلابی و حتی ملی و به جای آن تقدس بخشدن به هر آنچه غربی‌ها می‌پسندند یکی از راه‌های زمینه‌سازی نفوذ غرب به ایران توسط جریان‌های شبه‌روشنفکر و غر‌ب‌زده بوده است.

ایستاده‌غبار

توسلیان شخصیت متفاوتی نسبت به آنچه‌ما از فرماندهان جنگ می‌شناسیم داشت. متوسلیان، مردی با ویژگی‌های شخصیتی خاصی بود که معمولا ما عادت نداریم در فرماندهان جنگ ببینیم. او شخصیت متفاوت و جذابی داشت. ضمن اینکه متوسلیان سرنوشت عجیبی پیدا کرد که خود این سرنوشت عجیب و مبهم نیز به لحاظ داستانی جذاب بود.

از میان انبوه شبکه‌هایی که ضد نظام اسلامی ایران مشغول فعالیت هستند حدود ۱۳ شبکه در قالب نمایش فیلم و سریال مستهجن، جوانان و خانواده‌های مسلمان را هدف خود قرار داده اند.

یکی از شبکه‌های معاند ضد نظام که شدیداً ضد ارزش‌های اسلامی و ایرانی ملت ما مشغول فعالیت و برنامه‌سازی است شبکه «GEM TV» است. این شبکه از سال ۲۰۰۶ میلادی با شعار «چم همه شما را دوست دارد» آغاز به کار کرد و به عنوان یکی از شبکه‌های تلویزیونی گروه موسیقی و سرگرمی عمومی یا محتوای برنامه‌هایی نظیر «فیلم‌های سینمایی»، «مجموعه‌ها و سریال‌های تلویزیونی»، «مستندهای تلویزیونی»، «برنامه‌های آموزشی» و سایر برنامه‌های سرگرم‌کننده جهان تشکیل شد. «گروه موسیقی و سرگرمی عمومی» داتاری در شهرهای دبی، لندن، کوالالامپور و لس آنجلس دارد. شبکه جم در سال‌های گذشته با ارتقای شبکه و گسترش آن از دو شبکه معروف خود به بیش از ۱۰ شبکه دست پیدا کرد. در سال‌های گذشته شبکه‌های جم تی وی به مدیریت سعید کریمیان، تلاش‌های گسترده‌ای را در هر زمینه‌ای از جمله، آنتن تجاری، تبلیغات و برنامه‌های سریال، موزیک و … برای جذب مخاطبان جدید داشته است. سعید کریمیان مدیر این شبکه معاند و ضد انقلاب است و از آن جایی که پدر وی یکی از اعضای گروهک منافقین بود در اواخر جنگ نزدیک خانواده‌اش به همراه خانواده‌اش به پادگان اشرف انتقال یافتند.

شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان «جم تی وی» که مدت‌هاست با پخش سریال‌های مبتدل و مستهجن ترکی، آمریکایی و کلمبیایی کانون خانواده ایرانی را هدف گرفته است، همواره در فضای رسانه‌ای با تردیدها و جنجال‌های زیادی در سر منابع مالی خود مواجه بوده است. گرچه مسئولین این شبکه با طرح ادعاهایی چون تامین منابع مالی این شبکه از طریق تبلیغات سعی کردند تا پایانی بر این شایعات بدهند اما با نگاهی اجمالی به حجم انبوه فعالیت‌های این شبکه و تبلیغات ضعیف و کم شمار آن می‌توان به کذب گویی مسئولان آن پی برده و به این نکته اذعان داشت که این دروغ بزرگ برای پنهان کردن حمایت برخی دولت‌ها و گروه‌های منفور جشنواره‌ها و جوایز هنری، سعی می‌کنند افرادی را در میان ملت‌ها مطرح و برجسته کنند. این افراد لزوماً هنرمندان خوبی نیستند اما به خاطر ضعف شخصیتی و شیفتگی به مظاهر فرهنگ غربی، در نقش سفیر و سخنگوی دولت‌های غربی در یک کشور فعالیت می‌کنند. به این ترتیب که شهروروشفرگان، نویسنده‌ها، خواننده‌ها، بازیگران و فیلمسازان و … توسط غربی‌ها و به بهانه‌های مختلف به محافل جشنواره‌ها دعوت می‌شوند و تحت حمایت قرار می‌گیرند. این هنرمندان هم رفته رفته به عامل نقش سفیر و سخنگوی دولت‌های غربی در یک کشور فعالیت می‌کنند. به این ترتیب که شهروروشفرگان، نویسنده‌ها، خواننده‌ها، بازیگران و فیلمسازان و … توسط غربی‌ها و تحت حمایت قرار می‌گیرند. این هنرمندان هم رفته رفته به عامل

می‌یابند و نقش سفیر تبدیل می‌شوند. طی ۲۵ سال گذشته، سفارتخانه آمریکا در ایران تعطیل بوده و ایالات متحده هیچ سفیری در ایران نداشته است، اما برخی از هنرمندان و محافل فرهنگی در کشور ما به مثابه سفیر آمریکا عمل کرده‌اند. نفی فرهنگ و ارزش‌های دینی و انقلابی و حتی ملی و به جای آن تقدس بخشدن به هر آنچه غربی‌ها می‌پسندند یکی از راه‌های زمینه‌سازی نفوذ غرب به ایران توسط جریان‌های شبه‌روشنفکر و غر‌ب‌زده بوده است.